

هو الله تعالى شأنه الحكمة و البيان

قد انزلنا الكتاب و هو ينطق امام وجوه العباد الملك لله ربّ الأرباب و يبشّر المقبلين بما قدّر لهم من القلم الأعلى و ينذر الذين كفروا بالله و آياته و اعرضوا عن مشرق البيان

يا محمد اسمع النداء من السّدرة المباركة الحمراء أنّه لا اله الا انا العزيز الوهاب لما جاء الوعد و تمّ الميقات جئنا من مطلع الاقتدار بآيات الله مالك المآب و كان عن يميني نقطة البيان و امام وجهي رسل الله المهيمن العزيز المختار طوبى لنفس فازت بأيامى و اقبلت الى افقى و توجّهت الى وجهى و سمعت نداء النبيين و المرسلين فى هذا الأمر الذى به تزلزلت الأركان و انصعقت الأصنام كئنا مستويّاً على عرش الحزن بما ورد علينا من مطلع البغضاء ما ناح به الفردوس الأعلى و الذين طافوا العرش فى البكور و الآصال

ورد الغصن الأكبر امام الوجه بكتاب من احببني الذى سمى بعلى اكبر من قلم الله مظهر البيئات سمعنا ما نطق به اجنابه فضلاً من عندنا و انا المشفق الفضال يا على اكبر عليك بهائى انت الذى قطعت السبل الى ان وردت فى شاطئ البحر الأعظم و سمعت نداء المظلوم الذى ورد عليه فى سبيل الله ما ناحت به الدّرات وردت و سمعت و رأيت ما كان امل المقرّبين فى ازل الآزال يا على قبل اكبر انّ المظلوم يذكرك من شطر السّجن و يذكر الذين ذكرتهم فى كتابك لتشكر ربك الغنى المتعال انا ذكرنا اخاك من قبل ثمّ الذين آمنوا بالله الواحد الفرد العزيز الغفار اردنا ان نذكر كلّ واحد بما يجذبه الى مقام لا تمنعه شؤونات العالم و لا اعراض اهل البيان الذين كفروا بالرّحمن اذ اتاهم بقدرة و سلطان يا على اكبر بلسان پارسى ذكر میشود تا كل از كوثر بيان رحمن قسمت برند و باستقامت كبرى فائز گردند

يا سليمان (استاد سليمان) قلم اعلى ميفرمايد اهل عالم طراً از برای عرفان يوم الله خلق شده اند هر رسولى عباد را باين يوم بشارت داده و نصيحت فرموده كتب قبل که از ملکوت بيان رحمن بر انبيا و اصفياء نازل شده شاهد و گواه است مع ذلك عباد غافل از عرفان مالک ايجاد و حاکم يوم معاد محروم و ممنوع مشاهده میشوند سبب و علت اين منع اكبر و حجاب غليظ علمای عصر بوده و هستند و فى الحقيقه جزای اعمال كل را اخذ نموده و از بحر نور که امام وجه مالک ظهور مؤاجست منع کرده حمد کن مقصود عالم را که ترا مؤيد فرمود شنيدى و فائز گشتى حال وصيت مينمائيم ترا و حزب الله را بر حفظ آنچه عطا شده البهَاء من لدنا على الذين اقبلوا و سمعوا و اجابوا ربهم السّامع المجيب

يا حسنعلی امّ الكتاب ميفرمايد الحمد لله باثر قلم اعلى فائز شدى و از كوثر محبت مالک اسماء مرزوق گشتى قسم باقتاب بيان که از اعلى افق امکان اشراق نموده هر نفسى اليوم بانوار كلمه مبارکه که از افق قلم اعلى اشراق نموده فائز شود او بكلّ خير فائز است قل

اسألك يا الهى بتسخير قلمك الأعلى و بانوار وجهك يا مالک ملکوت البقاء بأن تؤيدنى على الاستقامة على امرک بحيث لا تخوفنى جنود العالم و لا نعاق الأمم الذين كفروا بك و بآياتك ثمّ اسألك بأن تكتب لى ما ينبغى لوجودك و عطائك انك انت الفضال الكريم لا اله الا انت الغفور الرحيم

يا على (جناب على ابن محمد كاظم) لوح محفوظ ميفرمايد فائز شدى بانچه در كتب الهى از قلم اراده جارى گشته لله الحمد باصغای صرير قلم و خرير كوثر بيان و هزير نسيم عنایت مؤيد گشتى طوبى از برای تو و از برای مرتبى تو لازال تحت لحاظ بوده و هستى جميع منتسبين و دوستان بعنايت حقّ فائزند از حقّ بطلب كل را مؤيد فرمايد بر استقامت چه که ناعقبن در کمين بوده و هستند از حقّ ميطلبيم در جميع امور شما را تأييد فرمايد بر ذکر خود و ثنای خود و خدمت خود و ما يرتفع به امره العزيز البديع

یا غلامحسین (آقا غلامحسین اهل ص) علیک بهائی قد فزت بذکری و اثر قلمی الأعلی قسم نبأ عظیم که این فضل عظیم بوده و هست مقامش را بدان و بشکر و حمد مقصود عالمیان مشغول باش باید الیوم کل باتحاد و اتفاق توجّه نمایند و اگر امری غیر مقبول حادث شود بکمال تعجیل در صدد رفع آن برآیند لله قیام نمایند و لله بخدمت مشغول شوند امروز کلمه‌ئی که سبب و علت اختلاف شود نزد حقّ محبوب نبوده و نیست احبّا را تکبیر برسان و آنچه ذکر شده متذکّر دار شاید جمیع ارادات در اراده حقّ فانی شود یعنی به ما اراده الله تکلم نمایند و حرکت کنند آنچه از قلم اعلی نازل نافذ است در جمیع اشیاء یشهد بذلك مالک الأسماء فی هذا المقام الرّقیع

یا حسین (استاد حسین) امّ البیان میفرماید بگو

الها معبودا ملکا مقصودا بچه لسان ترا شکر نمایم غافل بودم آگاهم فرمودی معرض بودم بر اقبال تأیید نمودی مرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری شده تازگی عطا کردی پروردگارا وجود کل از جودت موجود از بحر کرمات محروم مفرما و از دریای رحمت منع مکن در هر حال توفیق و تأیید میطلبم و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلم توئی مالک عطا و سلطان ملکوت بقا

یا مهدی (استاد مهدی بنا) مظلوم در سجن ابدی ترا ذکر مینماید و ندا میفرماید این ندا آن ندائست که از سدره ظاهر گشت و این آن ندائست که حبیب باصغای آن در معراج فائز شد و این ظهور ظهوریست که روح بان بشارت داد و کلیم اخبار نمود طوبی از برای نفسی که نعاق ناعقین و سطوت آمرین و ظلم جاهلین او را از یوم الله محروم نمود و از فیوضاتش ممنوع نساخت جمیع را باستقامت امر مینمائیم و به ما ینبغی لأمر الله وصیت میکنیم طوبی للعالمین

یا سلمان (استاد سلمان بنا) ایامی که مکلم طور در زوراء بر عرش ظهور مستوی کل را بطیور لیل و نعاق ناعقین و فساد ملحدین اخبار نمود تا حزب الله از شرّ آن نفوس بعنایت آثار قلم اعلی محفوظ ماند و این محدود بمحلی نبوده و نیست شاید در این ارض هم احداث شود آنچه سبب و علت اختلاف است کل را وصیت مینمائیم بر استقامت بر امر و به ما ینبغی لأیام الله ربّ العالمین قبل از الف ظهور ممتنع و هر نفسی ادّعا نماید عندالله مردود و غیر مقبول بشنوید ندای مظلوم را و آنچه امر فرموده تمسک نمائید اوست عالم و اوست دانا لا اله الا هو العلیّ الأبهی

یا غلامحسین (استاد غلامحسین بنا) سرّ مکنون میفرماید آیات نازل و بیّنات ظاهر و سیبیل واضح و دلیل مشهود ولکن کل محجوب و ممنوع حمد کن مالک قدم را که تو را تأیید فرمود و راه نمود و در سجن اعظم بذکر تو مشغول این مقام خارج از وصف است قسم نبأ اعظم اگر بدوام ملک و ملکوت شکر این کلمه علیا که از لسان قلم اعلی جاری شده نمائی هرآینه باین عنایت کبری معادله ننماید و برابری نکنند از حقّ میطلبیم کل را مؤید فرماید باعمال و اخلاقی که جنود حقّند در این ظهور اعظم اگر بعرف بیان رحمن فائز شدی قم و قل

لک الحمد یا من بک قامت القيامة و ظهرت الساعة و ارتفعت الصّیحة و مرّت الجبال و برز ما کان مذکوراً فی کتب الله ربّ العالمین

یا نساج (آقا رضای نساج) علیک بهاء الله مالک المعراج از حقّ بطلب ترا تأیید فرماید بر نسج جامه‌ئی که سهام معرضین بیان و اسیاف مشرکین فرقان بان اثر ننماید این جامه مبارکه تارش از توکل است و پودش از تفویض این جامه موافق هیاکل موقنین و مستقیمین و راسخین بوده و هست طوبی از برای نفسی که بان فائز شد و از دون الله خود را فارغ و آزاد مشاهده نمود

یا حسین (حسین ابن آقا محمد نصیر لاری) اهل ایران خود را موحد میدانستند در یوم ظهور کل مشرک مشاهده گشتند الا معدودی جزای اعمال کل را از معرفت غنیّ متعال در مأل محروم نموده عمائم بیضا و خضرا و تقبیل ایادی اسباب غرور و

علّت منع شد یک نفر از علمای معروف در اوّل امر ببحر قرب تقرّب نجست و از کوثر حیوان که از قلم رحمن در کلّ حین جاری و ساری قسمت نبرد جهد نمائید تا حزب الله طراً بتوحید حقیقی فائز شوند غیر الله را معدوم بینند و مفقود شمزند امروز آفتاب توحید از افق تجرید مشرق و لائح لا یدکر فیه الا هو طوبی لمن فاز ویل للغافلین

یا محمد تقی (آقا محمد تقی ابن آقا محمد جعفر اصفهانی) علیک بهائی جنود الله که ناصر امر و معین امرند در این ظهور اعظم اعمال طیبه و اخلاق پسندیده بوده و هست باید کل باین جنود حقّ را نصرت نمایند امروز روز ذکر و ثنا است و امروز روز اعمال است مکرر این بیان از قلم رحمن جاری تا کل بآن ناظر باشند و بآن متمسک فساد و جدال و نزاع محبوب حقّ نبوده و نیست یا حزب الله وقت را غنیمت شمردید شاید فائز شوید بعملی که عرفش ابدی و ذکرش سرمدی باشد این مظلوم در این ایام باوهامات ظالمین مبتلا و مجدد بر او وارد آنچه که قلم اعلی نوحه نمود و لوح صبحه زد معذک از ذکر حزب الهی منع نشد و توقّف ننمود اشکر ربک بهذا الفضل المبین قل لک الحمد یا اله العالمین و مقصود العارفین

یا محمد (استاد محمد بنا) انشاءالله موفق شوی بر تعمیر بیتهی که باسم حقّ مرتفع شود ذکر آن بمثابة آفتاب از افق آسمان بیان مشرق و لائح و دائم و باقی خواهد بود و همچنین مؤید شوید بر استحکام بنیان استقامت امروز آن اعظم است از هر معروفی و مقدمست بر هر امری شکر کن حضرت مقصود را که ترا در سجن اعظم که بمقام محمود مذکور است ذکر نمود اولیای آن ارض را تکبیر میرسانیم و به ما ینبغی لأیام الله امر میکنیم در جمیع احوال بذكر الله و ثنائش مشغول باشید هذا نصحی و وصیتی عبادی الذین فازوا بأیامی و طاروا فی هوائی و تمسکوا بحبلی و عملوا بما فی کتابی العظیم